

Islamic Knowledge and Insight

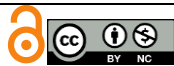
Comparative Analysis of the Principle of Freedom and Rationality and Their Educational Implications from the Perspective of Mulla Sadra

1. Mehdi Kahkesh: PhD Student, Department of Educational Sciences, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
2. Seyed Ahmad Hashemi*: Professor, Department of Educational Sciences, Lam.C., Islamic Azad University, Lamerd, Iran. (Email: Hmd_hashemi@yahoo.com)
3. Abbas Gholash: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran
4. Sepideh Safarpour Dehkordi: Assistant Professor, Department of Educational Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Abstract

The aim of the present study is to critically and comparatively examine the principles of freedom and rationality and their educational implications from the perspective of Mulla Sadra in order to provide a model. The scope of the study includes books, articles, and research works that have explored the comparative analysis of the principle of freedom and rationality and their educational implications from Mulla Sadra's viewpoint, totaling 130 volumes. The data collection tools consisted of documentation and note-taking from credible sources, articles, and documents, conducted through a library-based or documentary method. The findings indicated that previous studies conducted by other researchers were to some extent consistent with the results obtained in this research. Following the examination and study of theoretical foundations, research background, and documentation in relation to articles and scholars, the findings section identified three dimensions, twelve components, and thirty-six indicators. The dimension of rationality consists of four components (ethics, intellectual faculties, practical reason, and theoretical reason); the dimension of freedom includes four components (individual freedom, spiritual freedom, freedom of speech and writing, and freedom of thought); and the dimension of dignity comprises four components (wisdom, human perfection, connection with God, and understanding of truths).

Keywords: Mulla Sadra, research, principle of freedom, rationality, educational implications, dignity



How to cite: Kahkesh, M., Hashemi, S. A., Gholash, A., & Safarpour Dehkordi, S. (2024). Comparative Analysis of the Principle of Freedom and Rationality and Their Educational Implications from the Perspective of Mulla Sadra. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 222-238.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 02 July 2024

Revise Date: 22 October 2024

Accept Date: 31 October 2024

Publish Date: 10 December 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا

۱. مهدی کاهکش: دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران
۲. سید احمد هاشمی*: استاد، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (پست الکترونیک: Hmd_hashemi@yahoo.com)
۳. عباس قلناش: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۴. سپیده صفروپور دهکردی: استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

چکیده

هدف از تحقیق حاضر نقد و بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا به منظور ارائه الگو است. در پژوهش حاضر حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا پرداخته اند بوده است که تعداد آن‌ها ۱۳۰ جلد بود. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام شد. یافته‌ها گویای آن بود که تحقیقات انجام شده قبلی توسط سایر محققان تاحدودی با نتایج بدست آمده در این تحقیق همخوانی داشته است. پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی و مستندات با مقالات و پژوهشگران ۳ بعد، ۱۲ مولفه و ۳۶ شاخص در قالب یافته‌های بخش شناسایی شد که بعد عقلانیت دارای ۴ مولفه (اخلاق، قوای عقلی، عقل عملی و عقل نظری)، بعد آزادی دارای ۴ مولفه (آزادی فرد، آزادی معنوی، آزادی بیان و قلم و آزادی اندیشه) و بعد کرامت دارای ۴ مولفه (حکمت، تکامل انسان، ارتباط با خداوند و درک حقایق) می‌باشد.

کلیدواژگان: ملاصدرا، تحقیق، اصل آزادی، عقلانیت، دلالت تربیتی، کرامت

شیوه استناددهی: احمدی متمایل، معصومه، احتشامی، علی حسین، و حسینی، سید حمید. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا. *معرفت و بصیرت اسلامی*, ۲(۳), ۲۲۲-۲۳۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۲ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

مقدمه

از دوران گذشته تا عصر حاضر پیوسته مسائل عقلی در حکمت الهی و علم کلام، در مکاتب مختلف شرق و غرب بررسی و به بحث گذاشته شده‌اند. اگرچه هر مکتب عقلی، فلسفی و کلامی برای تحلیل مسائل و موضوعات دینی و الهی با نگاه خاص خود با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، ولی در هیچ دوره‌ای تبیین اندیشه‌های دینی بدون توجه به مقولات علمی زمان کامل نخواهد بود (Brookhart et al., 2020). عقلانیت بنیادی‌ترین خصوصیت انسان و زیربنای نظام اخلاقی صدرالماتلّهین است؛ زیرا صدرا برتری انسان بر سایر موجودات را در عقل، آن هم از بُعد نظری و نه عملی می‌داند. در نظر صدرا، انسان با بکارگیری عقل نظری و کسب حکمت، می‌تواند گام به گام وجود خود را وسعت بخشیده و در نتیجه، اخلاقی‌تر شود. از این‌رو، در نظر صدرالماتلّهین ضعف اخلاقی، ریشه در فقر وجودی آنان دارد و فقر وجودی ریشه در بی‌توجهی به نعمت عقل، به خصوص عقل نظری دارد. ارسطو با اتخاذ مبانی دیگری چون عقل، فاهمه، اراده و غایت بودن انسان، نگاه انسان‌شناسانه متفاوتی داشته و عقلانیت عملی یا اراده را با ارزش‌ترین ویژگی انسان دانسته و آن را معیار تحقق انسانیت و کمال او می‌داند (Hashemi, 2017).

بدین لحاظ در ورود به مسائلی همچون «سرنوشت و آزادی» یا «قضا و قدر و اختیار» انسان، علاوه بر ضرورت توجه به تأملات کلامی، فلسفی و عقلی گذشته و حال، لازم است با مبانی نظری تفکرات دانشمندان علوم طبیعی درباره سه مقوله خدا، انسان و جهان و دیدگاه‌هایی جدید که در علوم فیزیک، شیمی، زیست، روانشناسی و غیره مطرح گردیده است، با ژرف‌اندیشی مواجه شویم تا از قافله علم واپس نمانیم و با شبهات ناشی از نظریه‌های جدید علمی با شیوه‌ای عقلانی برخورد کنیم. بنابراین در عصر سیطره علم، هر انسان فرهیخته موظف است با زبان علم آشنایی داشته باشد (Bazargan, 2020). از نظر ملاصدرا خداوند دارای اراده و علم ازلی و لایتغیر است که از آن در حکمت به «قضای مطلق و حتمی» تعبیر می‌شود و در قرآن از آن با واژه‌هایی همچون «قلم»، «لوح محفوظ»، «ام الکتاب»

و غیر آن یاد شده است. این مرتبه از علم و اراده و قضا، بسیط و واحد و تغییرناپذیر است؛ زیرا عین ذات متحقق بالفعل است (Dana & Paula, 2018). هرچه در قلمرو ظهور حق و صفات او قرار گیرد، به اقتضای شرایط قلمرو امکان و بالقوه بودن، در معرض تغییر و حرکت دایمی جوهری و اشتدادی است که به ترتیب هم جهان مادی و هم عوالم علوی را با نفوسشان شامل می‌گردد (Furner & Robison, 2021). قضا که در معرض ظهور و تعین و حد و قید و زمان و مکان قرار می‌گیرد، «قدر» نامیده می‌شود که در قرآن از آن به «کتاب محو و اثبات» تعبیر می‌شود. از آنجا که سپهر قضا بسیط است، تمام تناقضات و پارادوکس‌ها در آن مقام وحدت می‌یابند و نشانی از تضادها و مغایرت‌ها در آن جایگاه نیست؛ بلکه باید گفت جهان متغیر جهان کثرت است و جایگاه تناقضات و اختلافات و تضادها و شرور و غیره آنجاست (Appleton, 2022). از آنجا که اساس قلمرو قدر، امکان و بالقوگی و صیورت و شدن است، با قلمرو ضرورت و قطعیت و قضای حتمی که برگرفته از اراده ازلی است، تفاوت دارد. انسان در قلمرو امکان قرار گرفته است و مصون از تغییر نخواهد بود. در نظام کلی این تغییر در انسان به سمت سیر از نقص به کمال و به سوی خود استکمالی در جریان است؛ به گونه‌ای که هر موجود انسانی که از لحاظ عقلی کمال یافته است، در روز قیامت به منزله یک نوع می‌گردد (Ebrahimi Dinani, 2019). در میان مخلوقات، خداوند به انسان این موهبت را عطا کرده است که به اختیار خود عمل کند تا ثواب و عقاب در برابر اعمال اختیاری او معنای واقعی پیدا کند. امر و نهی الهی قلمروی در نهاد عالم امکان است که انسان خود را با آن می‌آزماید و با پیروی از آن، سرنوشت خود را آزادانه به سوی رب رقم می‌زند و با کسب فضایل و کمالات، خداگونه می‌شود و هدایت می‌یابد و سعادت دنیا و آخرت را نصیب خود می‌گرداند (Cowen, 2020). خلق اعمال، مرتبط با مسئله جبر و اختیار در اعمال ارادی انسان است. قضا و قدر بر حاکمیت مطلق حق تعالی در قلمرو هستی دلالت دارد و حاکمیت او نیز خود به خود به عمل انسان تسری پیدا می‌کند و این شبهه را به وجود

می‌آورد که آیا ضرورت و حتمیت قضا و قدر در مراتب علم الهی، انسان را در اعمال خود مجبور می‌کند یا اینکه انسان در قلمرو قضا و قدر در انتخاب و گزینش مختار است و نظام از پیش تعیین شده هستی مانع گزینش و انتخاب او نمی‌گردد (Bailyn, 2019). آزادی انسان و سرنوشت او از جمله مسائل مهم کلامی و فلسفی است که از آغاز تفکر عقلی او مورد بحث و پژوهش اندیشمندان شرق و غرب قرار گرفته است. همان‌طور که از متن این دو رساله استنباط می‌گردد، ملاصدرا در بیان مسئله ابتدا به نقد آرای مختلف کلامی و فلسفی پرداخته و سپس با استفاده از آیات و روایات طریقه خود را که مبتنی بر اصالت وجود و ربطی بودن مخلوقات است، فصل الخطاب در باب این موضوع قرار داده است. بدین سان او توانسته است اصل عقلی «امر» بین امرین را که شاه کلید حل مسئله متناقض‌نمای سرنوشت و آزادی انسان است، به نحو مطلوب و جهانشمول روشن کند (Helvac, 2022). از اینرو بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا در نظر گرفته شده است. لذا در این پژوهش به بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا به منظور ارائه الگو پرداخته شده است.

الف: اصل آزادی و عقلانیت از دیدگاه ملاصدرا

مفهوم آزادی از حیث بحث مفهومی و تبار آن، به خلقت آدم بر می‌گردد. همیشه مسئله آزادی برای آدمی یک دغدغه بوده است، به خصوص در یونان باستان؛ مثلاً در بحث‌های سقراط، افلاطون بحث آزادی به عنوان یک مفهوم فلسفی و نیز در عداد اندیشه‌های سیاسی مطرح بوده است (Appleton, 2022; Bayertz, 2020). در مقابل این دو رویکرد می‌توان رویکرد اسلامی را متذکر شد. در دیدگاه‌های اسلامی مباحث مرتبط با آزادی، ذیل نگاه خرد و تفکیک‌گذرانه، معمولاً از این سه حال خارج نیست (بحث‌هایی که در فلسفه، در منطق و بعضاً در دانش اصول مطرح است):

۱- یک بار مفهوم را به شرط شیء می‌گیریم؛

۲- یک بار مفهوم را به شرط لامی می‌گیریم؛

۳- یک بار مفهوم را لا به شرط می‌گیریم.

هم چنین در تعابیر منطق می‌گویند: مقیده، محدوده، مطلقه و مجرد (Hashemi, 2017). در دوران معاصر غرب، دو رویکرد کلان به آزادی پدید آمد: یکی بحث رویکردهای مارکسیستی و دیگری بحث رویکردهای لیبرالیستی. در بحث‌های مارکسیستی معمولاً آزادی را فدای عدالت می‌کردند؛ اما در بحث‌های لیبرالیستی عدالت را فدای آزادی می‌کردند. مفهوم آزادی در هیچ مکتبی به صورت لایشرط نیست؛ محدودیت‌هایی که می‌توان گفت رابطه مفهوم آزادی نسبت به آن‌ها بیانگر رابطه‌ای پارادوکسیکال است؛ یعنی رابطه تضاد برقرار است (Somekh et al., 2018). پس هر مکتبی در هر حوزه فکری و اندیشه‌ای در رویکرد به آزادی، برای خود چارچوبی دارد و آزادی را در دل آن چارچوب مطرح می‌نماید: هم مکتب مارکسیست برای خود چارچوبی دارد و هم مکتب لیبرال دموکراسی. نتیجه آنکه در مکتب‌های بشری، آزادی به صورت مطلق وجود ندارد. در اندیشه‌های دینی اعم از اسلام، مسیحیت، یهودیت و در یک جمله در ادیان آسمانی، مفهوم آزادی به شرط شیء است؛ یعنی اگر آزادی با اصل شریعت در تضاد باشد، مسلماً آن را محدود می‌کنند و از شریعت دست بر نمی‌دارند. به هر حال از منظر تبارشناس می‌توان گفت که توجه به آزادی به شکل گیری اندیشه‌هایی که در جهان اندیشه شکل گرفته است باز می‌گردد (Somekh et al., 2018).

عقلانیت و انسان اخلاقی در اندیشه ملاصدرا

عقلانیت بنیادی‌ترین خصوصیت انسان و زیربنای نظام اخلاقی صدرالمتألهین است؛ زیرا صدرا برتری انسان بر سایر موجودات را در عقل، آن هم از بُعد نظری و نه عملی می‌داند. در نظر صدرا، انسان با بکارگیری عقل نظری و کسب حکمت، می‌تواند گام به گام وجود خود را وسعت بخشیده و در نتیجه، اخلاقی‌تر شود. از این‌رو، در نظر صدرالمتألهین ضعف اخلاقی، ریشه در فقر وجودی آنان دارد و فقر وجودی ریشه در بی‌توجهی به نعمت عقل، به خصوص عقل نظری دارد.

تحقق انسانیت از منظر مآصدرا

انسان‌شناسی صدرایی، به جهت تمرکز داشتن بر یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های انسان و قرار دادن آن ویژگی، به عنوان معیار تحقق انسانیت، می‌توان در ذیل انسان‌شناسی فلسفی تبیین نمود. انسان‌شناسی، که اولین بار توسط ارسطو مورد استفاده قرار گرفت، «منظومه‌ای معرفتی است که به بررسی بُعد یا ابعادی از وجود انسان و یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد». انسان‌شناسی فلسفی نیز که یک نوعی انسان‌شناسی است، عبارت است از: پاسخ به سؤال از طبیعت بشری که شامل طبیعت فرهنگی، الاهیاتی، زیستی و روان‌شناختی است. این نوع انسان‌شناسی، در تلاش است ویژگی‌های بنیادین انسان را که عناصر تشکیل دهنده هویت وی هستند، تبیین کند تا او را از سایر موجودات متمایز گرداند (Badashti, 2020). تفسیر مآصدرا از انسان، بر مبانی خاص فلسفه وی، به خصوص مبانی انسان‌شناختی فلسفه او مبتنی است. بدون توجه به این مبانی، نمی‌توان در باب نظر ایشان در این زمینه سخن گفت. این مبانی عبارتند از: حرکت جوهری: مآصدرا معتقد است همه موجودات، ذاتاً در حال حرکت به سمت کمال نهایی هستند و در هیچ حدی از حدود توقف ندارند، تا آنجا که به تجرّد رسیده و خود را از مادّه رها سازند. این حرکت به صورت لبس بعد اللبس و یا کمال بعد از نقص انجام می‌گیرد. به این معنا که در هر مرحله از حرکت، موجود، کمالات مرحله قبل را حفظ کرده و کمال لاحق برای او منضم به کمال سابق می‌گردد (Ebrahimi Dinani, 2014, 2019).

تشکیکی‌بودن وجود: وجود حقیقی است که شامل تمام موجودات از پایین‌ترین مرتبه، که از فعلیتی برخوردار نیست، تا آخرین مرتبه، وجود، که تام و فعلیت صرف است، می‌شود. این وجود، به اختلاف تقدّم و تاخّر و شدّت و ضعف دارای مراتب مختلف است. بر این اساس، وجودات، گرچه متکثر و متمایزند، امّا همگی از مراتب تعینات حقّ اولّ و ذات الاهی هستند (لک زایی، ۱۳۹۹، مجموعه مقالات جلد اول).

اتّحاد عاقل و معقول: در نظر صدرالمتألهین تعقل عبارت است از: اتّحاد جوهر عاقل با معقول؛ یعنی وقتی نفس ناطقه چیزی را تعقل می‌کند به حسب وجود، عین صورت عقلی آن می‌گردد. و چون عقل فعّال خزانه صور معقوله اشیاء و خارج کننده نفوس از قوه به فعلیت است، وقتی نفس صور معقوله اشیاء را تعقل می‌کند، به مقدار سعه وجودی خود با عقل فعّال، که خزانه صور اشیاء است، متحد می‌شود (Deryakulu, 2019).

بنیادی‌ترین ویژگی انسان و مبانی نظام اخلاقی از منظر مآصدرا از منظر انسان‌شناسی فلسفی، مآصدرا بنیادی‌ترین ویژگی انسان را در عقلانیت او، به خصوص عقل نظری می‌داند. مراد از عقل، قوه مدرکه نفسانی است که در وجود انسان، سرچشمه تمام چیزی است که می‌تواند در نظام فلسفی مآصدرا، انسان را به واقعیت برساند. این قوه خاستگاه حکمت و فرزاندگی است و انسان را به جایی می‌رساند که عالمی عقلی، مشابه عالم عینی گردد. در اندیشه مآصدرا، علم و حکمت، که ریشه در بُعد نظری عقل انسان دارد، صرفاً کیف نفسانی، اضافه و یا از مقوله انفعال نیست، بلکه از مقوله وجود بوده و حقیقت وجودی انسان را رقم می‌زند، مآصدرا، علم را نوعی تحقق وجودی برای نفس و نوعی نورانیت برای انسان می‌داند. انسان این ظرفیت را دارد که نسبت به تمام حقایق هستی علم پیدا کند (Ashtiani, 2016).

حال هر چه بیشتر این ظرفیت را به فعلیت برساند، مرتبه بالاتری از عالم وجودی را برای خود فراهم کرده و به سعه وجودی بیشتری دست خواهد یافت. به عبارت دیگر، علم سیر و حرکتی وجودی است که برای عالم حاصل می‌شود تا جایی که او ظرفیت کمک گرفتن از عقل فعّال را پیدا کرده و با دریافت حقایق، عالی‌ترین درجات انسانیت را طی می‌کند. مآصدرا، بُعد نظری عقل را مهم‌ترین و با ارزش‌ترین استعداد در وجود انسان دانسته، حقیقت انسانیت را بر آن مبتنی ساخته است؛ چرا که حقیقت انسان را آشکار می‌سازد. به انسان وجود می‌دهد و در واقع، انسان به واسطه آن، حقایق عقلانی را شهود کرده و جهان اخلاقی خود را می‌سازد. در نظر صدررا، اگر نظر نبود،

عمل هم معنا نداشت. عمل وقتی عمل است که پشتوانه نظری داشته باشد. از منظر صدرا، کار عقل عملی خدمت گذاری به عقل نظری است. برتری انسان بر سایر موجودات، به جهت برخورداری او از قدرت نظری است. به طور کلی، می توان گفت: ملاصدرا عقلانیت را به خصوص در بُعد نظر، معیاری برای فهم ارزش انسانیت و زیربنای تحقق انسان کامل می داند. اجمالاً، می توان چند دلیل بر اولویت عقل نظری به عنوان بنیادی ترین ویژگی انسان در نظر صدرا بیان نمود (Ebrahimi Dinani, 2014, 2019). ۱. غایت اخلاق، خدایی شدن است. ملاصدرا اولاً، قائل به اشتراک معنوی وجود است. ثانیاً، وجود را تشکیکی می داند. ثالثاً، علم را مساوق با وجود می داند. پس این علم ماست که ما را به خدایی شدن می رساند و وجود یا هستی ما را رقم می زند. البته در عمل ما نمود می یابد. پس علم و عقل نظری که منشأ اصیل فهم و ادراک اصل هستی ما را رقم می زند، بنیادی ترین ویژگی ماست (Ashtiani, 2016). ۲. منبع اصلی در افاضه صور، عقل فعال است. از نظر ملاصدرا کامل ترین فرد، کسی است که به مرحله عقل بالمستفاد، که برترین مرتبه عقل نظری است، دست یابد و با عقل فعال متحد شود. از طرفی، تنها سرمایه انسان، که می تواند با عقل فعال در ارتباط باشد، عقل نظری است؛ چرا که در آخرین مرتبه عقل نظری است که ما با عقل فعال متحد می شویم، پس بنیادی ترین سرمایه انسان عقل نظری اوست. (ملکشاهی، ۱۳۹۷). ۳. اما عقل نظری، که نیاز مستمر و دائمی به بدن و قوای بدنی ندارد. به طور دائم با مفارقات و ذات حق در ارتباط است و مستفیض به فیض دائمی است، این اتصال، به دلیل تکرار ارتباط و رجوع مداوم برای قوه نظری، به صورت ملکه در می آید. اما عقل عملی دائماً نظر به تدبیر بدن داشته و با قوای شوقیه و محرکه در ارتباط است. از آنجا که انسان رو به عالم مفارقات دارد، پس عقل نظری در این مسیر مهم ترین سرمایه اوست؛ چرا که این عقل نظری است که رو به عالم مافوق دارد. ۴. ملاصدرا برتری انسان بر فرشتگان و سایر موجودات را برتری قدرت نظری و نه عملی آدمی بر تمام موجودات دیگر می داند. همچنین عقل عملی را خدمتگذار عقل نظری می داند. در نتیجه، عقل نظری

بنیادی ترین ویژگی در تحقق انسانیت انسان است. با توجه به این نگرش و بر اساس حرکت جوهری، سیر عقلانی انسان عین وجود یافتن است. انسان هر مرتبه از ادراک را که پشت سر می گذارد، سهم بیشتری از وجود را کسب خواهد کرد. از این رو، ملاصدرا علت بی اخلاقی ها را در فقر وجودی انسان، که ناشی از بی توجهی از به کارگیری عقل است، دانسته و می فرماید: «الغضب و الحرص و.. فمن نتائج الإحتجاب و البعد من معدن الوجود و الصفات الکمالیه» (Bailyn, 2019; Bayertz, 2019; Oujabi, 2018).

جبر و اختیار از دیدگاه ملاصدرا

موضوع اختیار و آزادی انسان و عوامل تاثیر گذار بر آن از مباحث پردامنه انسانی و اسلامی است که در طول تاریخ، میان فلاسفه و متکلمان مورد بحث و گفتگو بوده است. تاثیر دو عامل الهی تقدیر و عامل انسانی اختیار و نحوه ارتباط آن دو در تحقق افعال انسانی از مباحث پیچیده و مهم فلسفی است. پذیرش اصل اختیار، اندیشه ای راهگشا در هدفمند ساختن زندگی فردی و اجتماعی انسان و جوامع است. چنان که نفی آن و قبول اصل جبر و موجبت، اثرات سویی مانند بی معنا شدن زندگی و فعالیت های انسان، تسلیم بودن در برابر وضعیت های موجود، نبود عزم و انگیزه برای تغییر و تحول های فردی و اجتماعی به دنبال دارد (Akbari, 2022). صدرا المتهلین به عنوان فیلسوفی جامع که با مکاتب مختلف آشنایی کامل دارد، اصل اختیار و آزادی انسان و نحوه ارتباط آن با علم و قدرت الهی را تبیین کرده به نحوی که جایگاه هر یک از این دو به خوبی حفظ شده است. در میان فلاسفه یونان نخستین کسی که به سبک خاص و منظم مربوط به اراده و اختیار را بررسی کرده است. در هر صورت شناخت چگونگی صدور فعل آدمی از جهات زیر ضروری می باشد.

۱ - خودشناسی: بدون شک اراده و اختیار از شئون نفس است و هرگاه آدمی را در انجام کارها مختار بدانیم خود را از دیگر موجودات برتر خواهیم یافت.

۲ - خداشناسی: مساله جبر و اختیار از جهتی به «توحید» و از لحاظی به «عدل» و از جهتی دیگر به «قدرت» خداوند ارتباط دارد زیرا اگر

جبر در اعمال درست باشد، «توحید افعالی»، و «عموم قدرت الهی» از بین خواهد رفت.

۳- معاد شناسی : مساله معاد و جهان ابدی مبتنی بر آزادی و اختیار آدمی در انجام اعمال است و معنی نخواهد داشت که خداوند هم مردم را مجبور به انجام اعمال کند و هم آن‌ها را معذب یا مثاب فرماید.

۴- حقوق و اخلاق : نخستین چیزی که توجه به آن در کار قانون گذاری و اخلاق ضرورت دارد، مساله اراده و اختیار انسان در انجام کارها است که اگر آدمی دارای چنین اراده و اختیار نباشد هیچ گونه تکلیفی نخواهد داشت و نظام حقوقی و اخلاقی از بین خواهد رفت.

۵- شناخت صحیح آیات و روایات: از آنجا که آیات و روایات زیادی در این زمینه وارد شده و دامی سیاسی و فرقه‌ای خاصی از ظواهر آن‌ها بهره برداری نادرستی می‌کرده از این رو شناخت صحیح آیات و روایات مربوطه و در نتیجه درک صحیح جهان بینی اسلامی ایجاب می‌کرده که دانشمندان اسلامی به این مساله با دقت بیشتری نگریسته و در این زمینه کار بیشتری نمایند (Akbarian, 2020).

ملاصدرا بر رساله القضاء والقدر نظریه خود را با کمک تبیین مفهوم اراده و قدرت توضیح می‌دهد ولی بر این باور است که اراده یا اختیار قدرت انسان را در جهت نیل به اهداف و خواسته‌های خود هدایت می‌کند. قدرت عاملی برای حرکت کردن می‌شود که انسان را در انجام افعال خود توانا می‌سازد. صدرا قدرت را با اختیار و اراده انسان مرتبط می‌داند و معتقد است که پس از تصور انجام یک فعل در ذهن شوق متاکدی در انسان پدید می‌آید که او را به انجام دادن آن فعل قادر می‌سازد. این تمایل و اشتیاق قوی همان چیزی است که اراده نام دارد. اراده نفس همانند وجودش ناشی از خود نفس نیست بلکه از اراده خداست که عین ذات اوست و این خداست که در او اراده و مشیت می‌آفریند. نمی‌خواهید مگر آنچه را که خدا می‌خواهد. پس همان گونه که از نفس در باصره شعاعی ایجاد می‌شود که بدان وسیله الوان و نورها را می‌بیند و در سامعه قوه‌ای ایجاد می‌شود که صوتها را می‌شنود، همچنین خداوند در نفس اراده و عملی می‌آفریند که بر

این وسیله درک می‌کند و در امور تصرف می‌نماید و اینجاست که سر قول خداوند متعال آشکار می‌شود که فرمود «و تو در وقتی که انداختی نیانداختی بلکه خداوند انداخته است یعنی، سلب «رمی» از پیامبر اکرم از همان جاست که اثباتش کرده است.» (Badashti, 2020).

به نظر ملاصدرا در مورد علم پیشین خداوند نیز به این گونه می‌باشد که اگر چه علم الهی سبب اقتضا کننده فعل آدمی است، لیکن مقتضی وجود فعل به نحو مسبوق به قدرت و اختیار است. چرا که قدرت و اختیار آدمی از جمله اسباب تحقق فعل و علل آن می‌باشد. البته وجوب مسبوق به اختیار فعل، منافی، اختیاری بودن آن نبوده بلکه آن را تاکید می‌کند. (زیرا برای اختیاری بودن فعل لازم نیست که اختیار آن مسبوق به اختیار دیگری باشد) در ادامه صدر المتألهین علم الهی را به اصل ذات واجب تعالی تشبیه می‌نماید، همان گونه که ذات الهی علت فاعلی وجود و وجوب هر موجود است در حالی که این فاعلیت ناقض وساطت اسباب و علل و شرایط و منافی نظام علی نیست علم خداوند نیز این چنین است (Araki, 2021).

مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا

انسان‌های مختلف گذرگاه‌های متفاوتی را برای زندگی برگزیده اند. این انتخاب‌های مختلف مبتنی بر انگیزه‌ای مشترک در میان تمام نفوس بشری است و آن انگیزه، تحصیل کمال و نیل به سعادت است. سعادت مفهوم گمشده‌ای است که در مصادیق مختلف، اعم از مصادیق حقیقی و غیرحقیقی، نمود یافته و مسیر حیات را دست خوش تعدد نموده است. شناخت کمال و سعادت حقیقی به انسان کمک می‌کند تا مسیر صحیح و راه امنی را برای گذراندن زندگی برگزیند (Badashti, 2020).

صدر المتألهین با استخدام قواعد عقلی، الهام از آیات الهی و استفاده از اشارات ذوقی، افق درخشانی را برای سعادت و تکامل ترسیم کرده، مسیری را شرح می‌دهد که نفس با طی آن، به مدارج تکامل و سعادت صعود می‌کند و با وصول به هر مرتبه، قابلیت‌های خدادادی خویش را فعلیت می‌بخشد. آگاهی از این مراتب موجب می‌شود تا

سالک اولاً راه را از بی راهه و سعادت را از شقاوت تشخیص دهد و ثانیاً بر سلوک مسیر حق همت گمارد (Ashtiani, 2016). از نظر ملاصدرا کمال و سعادت، همان وجود است و وجودها در کمال و نقص دارای مراتب مختلفی هستند، یعنی هر وجودی که از عدم خالص تر باشد از تکامل و سعادت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این، ادراک و شعور وجود نیز کمال و سعادت است و وجودها در ادراک نیز متفاوتند. از این روی تکامل نفس و مراتب آن، به طور کامل مرتبط با شدت وجودی آن است؛ به این معنا که هر قدر نفس و قوای آن از لحاظ وجودی، قوی تر و شدیدتر باشد از مرتبه تکاملی والاتری بهره مند است (Ashtiani, 2016).

شدت وجود نفس، از دو جهت موجب ارتقاء مرتبه آن می شود: اول از آن جهت که خود مرتبه وجود، درجه تکامل را نشان می دهد و دوم آن که هرچه نفس و قوای آن، وجود شدیدتری داشته باشد قادر به درک مدرکات ناب تری خواهد بود و هرچه مدرکات، ناب تر باشد، مرتبه تکاملی ادراک کننده، یعنی نفس، بالاتر خواهد بود. از این رو ملاصدرا تصریح می کند که کمال و سعادت هر قوه ای از قوای نفس، ادراک امر ملائم با طبع آن قوه است و از آنجا که قوای مختلف براساس مدرکات متفاوت، مراتب مختلفی دارند، کمالات مختلفی نیز دارند؛ به این معنا که هرچه قوه شدیدتر باشد مرتبه تکاملی آن نیز بالاتر خواهد بود. همان طور که وجود قوای عقلی، شریف تر و کامل تر از قوای شهوانی و غضبی است، ادراکات آنها نیز کامل تر از ادراکات محسوس است و در نتیجه وجود آنها نیز شدیدتر است (Deryakulu, 2019). پس ملاصدرا مراتب تکاملی نفس را از دو حیث برمی شمارد: حیث نخست قوت و شدت وجودی نفس است و حیث دیگر، مراتب تکاملی مدرکات نفس. هرچه مدرکات وی قوی تر و شدیدتر باشد مرتبه تکاملی آن عالی تر خواهد بود.

نظریه تجرد فوق عقلانی نفس از نظر ملاصدرا

اما با بررسی آرای شیخ الرئیس، می توان به این حقیقت پی برد که سخن در این باره، بر دو گونه تحلیل استوار است: مطابق قول مشهور،

چون ابن سینا مرتبه عقل مستفاد را غایت و نهایت مرتبه بلوغ کمالات آدمی دانسته است، قائل به مقام فوق تجرد برای نفس انسان نیست. اما قول غیر مشهور آن است که هر دلیلی بر تجرد نفس که عدم توقف آن را در مراتب وجود به اثبات برساند، مثبت مرتبه فوق تجرد عقلانی نفس است. همچنین می توان با جست و جو در آثار شیخ در زمینه نفس و براهین تجرد نفس و قوای آن، تلویحاً شواهدی را مبنی بر اعتقاد ابن سینا به استکمال نفس و تکامل وجودی آن و مقام فوق تجرد نفس انسانی در قوس صعود، استخراج و برداشت نمود؛ گرچه این شواهد، ادله قطعی و یقینی نیستند و بر اساس آنها نمی توان اعلام کرد که بوعلی نیز به نظریه فوق تجرد بودن نفس باور دارد. البته از جهت پی گیری ریشه های تئوری های فلسفی در تاریخ تفکر فلسفی، به ویژه در بررسی آثار حکیمان بزرگ، قابل اعتناست (Bazargan, 2020).

بر خلاف مشائیان که تنها تجرد نفس از ماده را اثبات کرده اند، سهروردی در ضمن بیانی کوتاه اما پر مغز در کتاب «التلویحات» خود، در باب هویت و انیت نفس، از قابلیت تجرد آن از ماهیت و نیز فوق تجرد بودن نفس و انیت صرف و وجود محض بودن آن پرده برداشته و در این باره گفته است: «إن النفس و ما فوقها من المفارقات إتیات صرفه و وجودات محضه» (Bazargan, 2020). نظریه فوق تجرد عقلانی بودن نفس، در حکمت متعالیه و در مواضع مختلف «الاسفار الاربعه» و نیز صحف نوری اهل عرفان - که ملاصدرا نیز از مشرب ایشان بهره های فراوانی برده است - به خوبی مبرهن و پی ریزی شده است.

زبان دین از منظر ملاصدرا

اندیشه زبان دینی در اسلام، سابقه ای طولانی دارد و شاید بتوان گفت: قدمت آن به نخستین تفسیر قرآن کریم برمی گردد؛ اما از آنجا که مفسران، اعم از متکلم، حکیم، عارف و فقیه به این موضوع به صورت تفکیک شده نگاه نکردند، شعبه ای مستقل برای مباحث تفسیری از جمله زبان دین ابداع نشده است؛ بنابراین طرح این عنوان، جدید به نظر می رسد؛ اما با عیب جویی و خرده گیری از کار متفکری بزرگ

به مراتب آسان‌تر از بیان روشن و کامل ارزش آن است. پس از تفحص در متون اسلامی متوجه می‌شویم، بعضی از آن‌ها چنان به ظاهر شریعت تمسک می‌جستند که هرگونه فراتر رفتن از ظاهر به سوی باطن را همسان با تفسیر به رأی می‌شمردند و عده‌ای دیگر، با خشکاندن ریشه معنای ظاهری، معنای باطنی را به جای آن می‌نشانند و گویی اتحاد این دو، آشتی‌ناپذیر است (Helvac, 2022). بعضی از آن‌ها، فاصله میان خالق و مخلوق را چنان نامتناهی تصور می‌کردند که راه برای هرگونه شناخت خداوند متعالی را می‌بستند و زبانی جز زبان تعطیل نمی‌شناختند و گروه دیگر، آن‌قدر این فاصله را کم کردند که زبان خداوند را همسان با زبان بشری گرفتند و طریقه تشبیه را پیمودند (Oujabi, 2018).

ملاصدرا در عرصه‌ای ظهور کرد که این نظریات، به اوج خود رسیده بود. وی از آن‌جا که در قله این تکامل فکری بود، به همه نظریات ارائه شده، احاطه کامل داشت؛ بنابراین، تسلط علمی وی و ذوق و ذکاوت فطری‌اش که با شهود و عنایت الهی توأم بود، به این امر انجامید که بهترین طریقه مؤدی به حقیقت‌گویی زبان قرآن را اختیار کند. وی از یک سو ظاهر نشینان و قشر فروشان را نکوهش کرد که به سبب دلبستگی غفلت آمیزشان به ظواهر، باطن را فدای ظاهر کردند و از سوی دیگر، فیلسوف‌نماها را مورد خطاب قرار داد، که با بسنده کردن به عقل نظری، راه برای هرگونه تاویل گشودند که این امر به تاویل‌های متغایر انجامید بدون این که هیچ کدام بر دیگری ارجحیت و برتری داشته باشد و نیز آن‌ها با پذیرفتن زبان استعاری، باب مجازگویی در قرآن را باز کردند و واقع‌نمایی را از قرآن گرفتند (Ashtiani, 2016).

صدرالمآلهین در دو مفتاح اول کتاب مفاتیح‌الغیب، با حمله به این دو گروه و بیان نتایج زیانبارشان، طریقه خود را بیان می‌کند؛ طریقه‌ای

که باطن جای ظاهر، و ظاهر جای باطن را تنگ نمی‌کند؛ بلکه باطن مکمل و متمم ظاهر است بدون این که ظاهر، دستخوش تغییر شود. راهی که با گشودن زبان حقیقی، حتی در تفسیر آیات متشابه، جایی برای زبان استعاری باقی نمی‌گذارد. پذیرش این روش، مستلزم تعریف جدیدی از کلمه، کلام، کتاب و تاویل است که صدرالمآلهین با طرح تاویل وجودی، کلام محوری و... به پیشواز زبان حقیقی می‌رود؛ زبانی که راه برای شناخت خداوند متعالی، حتی ذات باری تعالی را امکان‌پذیر می‌سازد؛ البته نه برای هر کسی؛ بلکه برای کسانی که علم موهبتی دارند و به مقام جمع و توحید رسیده‌اند (Deryakulu, 2019).

ساز و کار حیات عرفانی از منظر ملاصدرا

از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اندیشه‌ها در حوزه عرفان اسلامی مباحث مربوط به حیات معنوی و نحوه دست یافتن به آن است. این مسئله در عرفان و تعالیم متفکران غربی نیز به خوبی مشهود است.

حوزه مطالعاتی

حوزه پژوهش شامل کتب، مقالات و تحقیقاتی که به بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا پرداخته اند بوده است که تعداد آن‌ها ۱۳۰ جلد بود و با روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ملاک محور و به شرط مرتبط بودن و بروز بودن که بیشترین ارتباط با موضوع را داشتند انتخاب شد که حداقل یکی از موارد بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا را داشته باشند که چند نمونه از کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۱. منابع فارسی و انگلیسی مورد استفاده از متون، مستندات و مقالات، اسناد بررسی شده مرتبط با بررسی تطبیقی اصل آزادی و

عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا

نام نویسنده	سال انتشار	عنوان مقاله یا کتاب	نام مجله (زورنال) / همایش
صافی	۱۴۰۲	عقلانیت از دیدگاه ملاصدرا (گذشته، حال و آینده)	فصلنامه تعلیم و تربیت

جوادی	۱۴۰۱	تحلیل و نقد نظریه اصل آزادی ملاصدرا	نامه مفید، ۲۰ (۳۹)
شکاری و مزدایی	۱۳۹۹	واکاوی بنا دهای نظری عقلانیت از دیدگاه ملاصدرا	اولین همایش انجمن فلسفه آموزش و پرورش ایران، ۳۰ اردیبهشت، تربیت مدرس
نامداری پژمان، و مولائی	۱۴۰۲	اصل آزادی از دیدگاه ملاصدرا	مجموعه مقالات دومین همایش ملی تربیت معلم، اصفهان، مدیریت امور پردیس
داوری	۱۴۰۰	رئیس اول مدینه در نظر ملاصدرا	مجله نامه فرهنگ، شماره ۳۱
لک زایی	۱۳۹۹	سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه	قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
صدرا	۱۳۹۹	تعامل اخلاق و سیاست صدرالمآلهین	فصلنامه علوم سیاسی شماره ۲۶، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)
خادمی و رضی زاده،	۱۴۰۱	نظریه فوق تجرد عقلانی نفس در حکمت سینوی، حکمت اسلامی اسرا.	مؤسسه علوم و حیانی معارج قم. سال چهارم، شماره ۱
اکبری	۱۴۰۱	ارتباط وثیق وجودشناسی و زیبایی شناسی در فلسفه ملاصدرا	مجموعه مقالات هشتمین همایش حکیم ملاصدرا
بهشتی	۱۴۰۱ ش	شریعت و سیاست در حکمت صدرایی	مجموعه مقالات هشتمین همایش جهانی حکیم ملاصدرا
دهبازی	۱۴۰۱ ش	تشکیک در مراتب سعادت از منظر حکمت عملی ملاصدرا	مجموعه مقالات هشتمین همایش جهانی حکیم ملاصدرا
کرمانی	۱۴۰۱ ش	مبانی فلسفه اخلاق یا حکمت عملی در اندیشه ملاصدرا	مجموعه مقالات هشتمین همایش جهانی حکیم ملاصدرا
محمدی	۱۴۰۱ ش	جایگاه حکمت عملی در حکمت صدرا	مجموعه مقالات هشتمین همایش جهانی حکیم ملاصدرا
ابراهیمی دینانی	۱۳۹۸	«حکمت نظری و عملی»	مجموعه مقالات هفتمین همایش ملاصدرا (حکمت متعالیه و انسان)، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
مجتهدی	۱۴۰۱	«روشنگری چیست»	مجموعه مقالات علمی و پژوهشی سمینار ملاصدرا، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبریان	۱۳۹۹	«جایگاه انسان در حکمت متعالیه ملاصدرا»	مجموعه مقالات هشتمین همایش ملاصدرا (حکمت متعالیه و انسان)، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

حوزه مطالعاتی این پژوهش شامل کلیه مقالات و پژوهش‌ها و نظریات صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد. حوزه مطالعاتی شامل کلیه کتب، مقالات و تحقیقات چاپ شده بود که توسط پژوهشگران و محققان مختلف و به شیوه کدگذاری انجام شد. ابزار مورد استفاده به صورت ثبت اطلاعات و فیش برداری از منابع معتبر، مقالات و اسناد می‌باشد که به شیوه کتابخانه‌ای یا اسنادی انجام شد.

انتخاب مولفه‌ها و شاخص‌های مستخرج از پیشینه

جدول ۲. برخی نمونه‌های مولفه‌ها و شاخص‌های مستخرج از پیشینه،

صاحب‌نظر	مولفه‌ها و شاخص‌های مستخرج از پیشینه
صافی، (۱۴۰۲)	عقلانیت، هستی‌شناختی، مستقل و رابط، ممکن و ممتنع و واجب، ذهنی و عینی، جوهر و عرض، علت و معلول، متحرک و ثابت، واحد و کثیر، مقدم و موخر، بالفعل و بالقوه
مهاجرنیا، (۱۴۰۱)	آزادی، آشتی دادن، آزادی فرد، اطاعت از دولت، نظام فلسفی، روح، دولت

بهارنژاد، (۱۴۰۱)	آزادی، مشارکت در عمل، رقابت‌پذیری، تولید دانش
جوادی، (۱۴۰۱)	آزادی، نظریه‌های اخلاقی، اخلاق، طبقه‌بندی تاریخی
شهریاری، (۱۴۰۱)	اخلاق، عقلانیت، عقل، قوه نفس، معرفت عقلانی، شناخت
شکاری، و مزدایی، (۱۳۹۹)	خردورزی، انسان، کرامت، عقلانیت نظری، عقلانیت عملی
محمدی، (۱۳۹۸)	عقلانیت، شناخت، اصالت، تشکیک، وحدت وجود
فارنر و روبینسون (۲۰۲۱)	آزادی، ضروری برای جامعه، قدرت، قانون، مساوی با استبداد، به معنای هرج و مرج
بورکو (۲۰۲۰)	انسان، وجود نفس، اشیاء، جان دار انگاری
برخارت و همکاران (۲۰۲۰)	مقولات اجتماعی، زندگی جمعی انسان، استدلال، تعقل، انسان، دستیابی به حقیقت، تلاش عقلانی
دراکول، (۲۰۱۹)	آزادی، مساوی و مستقل، وضعیت طبیعی، وضعیت قراردادی، آزادی‌هایی طبیعی، حفظ مالکیت فردی
بیان (۲۰۱۹)	نفس، مراتب هستی، عالم وجودی، عالم اجسام یا عالم طبیعت، عالم مجردات یا عالم عقول، عالم مثال یا عالم نفس
دانا و پولا (۲۰۱۸)	آزادی انسان، مرتبه وجودی یا ادراکی، ادراک حسی و طبیعی، حواس پنج‌گانه، تخیل
	قدرت سیاسی، رضایت فرد، آزادی طبیعی، تشکیل اجتماع، آسایش، صلح، سلامت

یافته‌های تحقیق

بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از

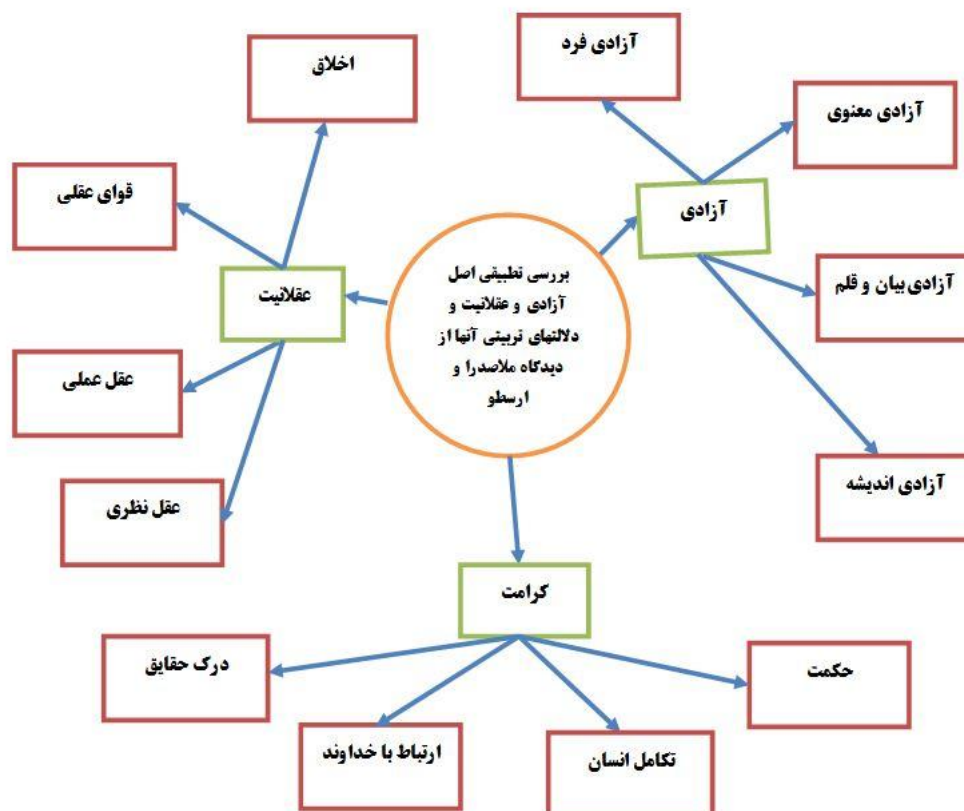
داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری بررسی شدند. دیدگاه ملاصدرا بر اساس ادبیات و پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. کدگذاری فرایندی بررسی است که طی آن داده‌ها، مفهوم‌گذاری شده و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند. در جدول ۳ مولفه‌های

جدول ۳. مولفه‌های بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا بر اساس ادبیات و پیشینه

تحقیق

شاخص / کد باز	پاراگراف مستخرج	نویسنده
عقلانیت، هستی‌شناختی، مستقل و رابط، ممکن و ممتنع و واجب، ذهنی و عینی	تقسیمات عقلانیت از بحث‌های هستی‌شناختی در حکمت متعالیه است که در آن ملاصدرا وجود را به اقسام متعددی تقسیم کرده است. مستقل و رابط، ممکن و ممتنع و واجب، ذهنی و عینی، جوهر و عرض، علت و معلول، متحرک و ثابت، واحد و کثیر، مقدم و موخر، بالفعل و بالقوه و... مباحث این حوزه است	صافی، (۱۴۰۲)
جوهر و عرض، علت و معلول متحرک و ثابت		
آزادی، مشارکت در عمل رقابت‌پذیری، تولید دانش	به این ترتیب مؤلفه‌های مشارکت در عمل، رقابت‌پذیری و تولید دانش فراهم گردد	بهارنژاد، (۱۴۰۱)
آزادی، نظریه‌های اخلاقی اخلاق، طبقه‌بندی تاریخی	متفکران در طول تاریخ، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای تمایز نظریه‌های اخلاقی مطرح کرده‌اند که ساده‌ترین طبقه‌بندی اخلاق از میان آن‌ها، طبقه‌بندی تاریخی به لحاظ نوع متعارف (کلاسیک) و جدید نظریه‌ها است	جوادی، (۱۴۰۱)
عقلانیت، شناخت، اصالت، تشکیک، وحدت وجود	ملاصدرا در صدد شناخت عقلانیت است؛ اما شناخت برهانی و قطعی نه سطحی و ظنی. این ساحت از حکمت متعالیه با ارائه سه اصل بنیادین شکل گرفته است: اصالت، تشکیک و وحدت وجود، بدین معنا که عقلانیت وی تعریف لفظی و ابتکار در تعبیر نیست سپس به تحلیل آن پرداخت	شکاری، و مزدایی، (۱۳۹۹)
آزادی، ضروری برای جامعه قدرت، قانون، مساوی، بدون هرج و مرج	همواره میزانی از آزادی را برای جامعه ضروری می‌دانست. او آزادی را در پیوند با دو مفهوم دیگر می‌بیند: قدرت و قانون. قدرت و قانون بدون آزادی مساوی با استبداد است. آزادی و قانون بدون قدرت به معنای هرج و مرج است و قدرت بدون آزادی و قانون، بربریت است	محمدی، (۱۳۹۸)
نفس، مراتب هستی	از منظر صدرالمتألهین، ملاصدرا مراتب مدرکات نفس را بر مبنای مراتب هستی شرح داده است. وی هستی را دارای سه مرتبه یا سه عالم وجودی که در طول یکدیگر قرار دارند، می‌داند. پایین‌ترین عالم یا مرتبه	دراکول، (۲۰۱۹)

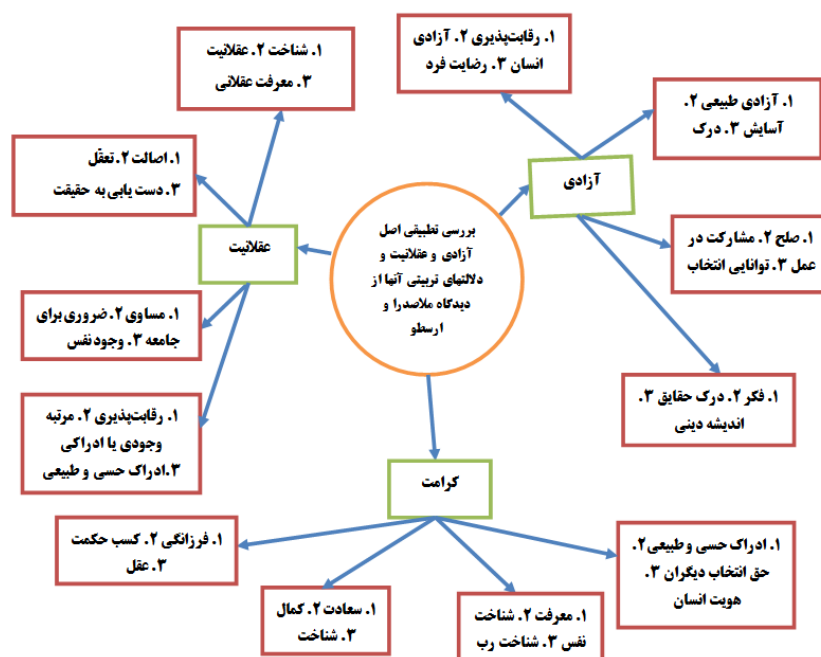
عالم وجودی، عالم اجسام یا عالم طبیعت و عالی ترین عالم، عالم مجردات یا عالم عقول است. بین این دو عالم طبیعت، عالم مجردات یا عالم عقول، عالم مثال یا عالم نفس	وجودی، عالم اجسام یا عالم طبیعت و عالی ترین عالم، عالم مجردات یا عالم عقول است. بین این دو عالم نیز عالم واسطه‌ای است که آن را عالم مثال یا عالم نفس می‌خوانند
آزادی انسان، مرتبه وجودی یا ادراکی، ادراک حسی و طبیعی، حواس پنج‌گانه تخیل	کردند از منظر صدرالمتألهین، آزادی انسان در سیر تکاملی خود دارای مرتبه وجودی یا ادراکی است: اوّلین (۲۰۱۹) مرتبه، مرتبه ادراک حسی و طبیعی است که مظهر آن حواس پنج‌گانه‌اند. دومین مرتبه، تخیل است که در آن اشباح و صور غایب از حواس پنج‌گانه ظاهری می‌باشند
آزادی معنوی، زادی بیان و قلم، آزادی اندیشه، اندیشه فلسفی، اندیشه دینی اندیشه ادبی	ملاصدرا در برخی از آثار خود از عناوینی نظیر آزادی‌های معنوی، آزادی بیان و قلم و آزادی اندیشه (که حوزه اندیشه شامل اندیشه‌های فلسفی، دینی، ادبی و غیره می‌شود) یاد می‌کنند. (مطهری ۱۳۹۸)
درک حقایق، آزادی فکر	این در حالی است که ملاصدرا قلمرو حقیقت و درک حقایق را منحصر در درک خود نمی‌داند. کسانی که مانع از آزادی‌های فکر، قلم و بیان هستند، تمام حقایق را در ادراک خود منحصر می‌کنند؛ یعنی بحث‌های درک، فکر و اندیشه را انحصاری در ذهن می‌آورند. به این ترتیب دیگر درک‌ها باید تعطیل شود. (ترجمه: آیتی) ۱۴۰۰
عقلانیت، عقل	عقلانیت بنیادی‌ترین خصوصیت انسان و زیربنای نظام اخلاقی صدرالمتألهین است؛ زیرا صدرا برتری انسان بر سایر موجودات را در عقل، آن هم از بُعد نظری و نه عملی می‌داند. در نظر صدرا، انسان با بکارگیری عقل نظری و کسب حکمت، می‌تواند گام به گام وجود خود را وسعت بخشیده و در نتیجه، اخلاقی تر شود. از این رو، در نظر صدرالمتألهین ضعف اخلاقی، ریشه در فقر وجودی آنان دارد و فقر وجودی ریشه در بی توجهی به نعمت عقل، به خصوص عقل نظری دارد
انسان، عقلانیت عقل نظری، حکمت فرزاندگی	از منظر انسان‌شناسی فلسفی، ملاصدرا بنیادی‌ترین ویژگی انسان را در عقلانیت او، به خصوص عقل نظری می‌داند. مراد از عقل، قوه مدرکه نفسانی است که در وجود انسان، سرچشمه تمام چیزی است که می‌تواند در نظام فلسفی ملاصدرا، انسان را به واقعیت برساند. این قوه خاستگاه حکمت و فرزاندگی است و انسان را به جایی می‌رساند که عالمی عقلی، مشابه عالم عینی گردد. (صدرا، ۱۳۹۹)
وجود یا ادراک ادراک حسی و طبیعی تخیل حواس باطنی عقل	از منظر صدرالمتألهین، نفس انسان در سیر تکاملی خود دارای سه نشئه وجودی یا ادراکی است: اوّلین مرتبه، مرتبه ادراک حسی و طبیعی است که مظهر آن حواس پنج‌گانه‌اند. دومین مرتبه، تخیل است که در آن اشباح و صور غایب از حواس پنج‌گانه ظاهری می‌باشند. مظهر این مرتبه، حواس باطنی، به خصوص قوه خیال می‌باشد. سومین مرتبه، نشئه عقلی است. مظهر این مرحله قوه عاقله است. (مصلح، ۱۳۹۹)
آزادی مثبت آزادی منفی	او آزادی را به دو نوع آزادی مثبت و منفی تقسیم می‌کند. او آزادی منفی را به معنای نبود مانع و رهایی از اراده خودسرانه دیگران می‌داند و آزادی مثبت را به معنای بهره‌مندی از امکانات و بسترهایی درونی و بیرونی جهت برخورداری از توانایی انتخاب و گزینش‌گری انسان می‌داند. جوهر اندیشه وی، مفهوم «آزادی انتخاب فردی» است. با این حال، حق انتخاب فرد، مطلق نیست، زیرا در این صورت به حق انتخاب دیگران تعرض می‌شود. (روزنتال، فرانتس. ۱۳۹۶، ترجمه میراحمدی)
ادراک، احساس، تخیل تعقل، دنیا، مثال، ملکوت اعلی	بر اساس نظر ملاصدرا انسان به لحاظ قوای ادراکی اش از سه ساحت احساس، تخیل و تعقل تشکیل شده است که از سه عالم دنیا، مثال و ملکوت اعلی نشأت گرفته‌اند: «إن الإنسان متمم من أجزاء ثلاثة من عوالم ثلاثة، هي مبادئ ادراكات ثلاثة: العقل والتخیل والاحساس» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۹)
کمال، سعادت، ادراک، قوای عقلی	ملاصدرا تصریح می‌کند که کمال و سعادت هر قوه‌ای از قوای نفس، ادراک امر ملائم با طبع آن قوه است و از آنجا که قوای مختلف براساس مدرکات متفاوت، مراتب مختلفی دارند، کمالات مختلفی نیز دارند؛ به این معنا که هرچه قوه شدیدتر باشد مرتبه تکاملی آن نیز بالاتر خواهد بود. همان طور که وجود قوای عقلی، شریف تر و کامل تر از قوای شهوانی و غضبی است، ادراکات آن‌ها نیز کامل تر از ادراکات محسوس است و در نتیجه وجود آن‌ها نیز شدیدتر است (دهباشی، ۱۴۰۱ ش)



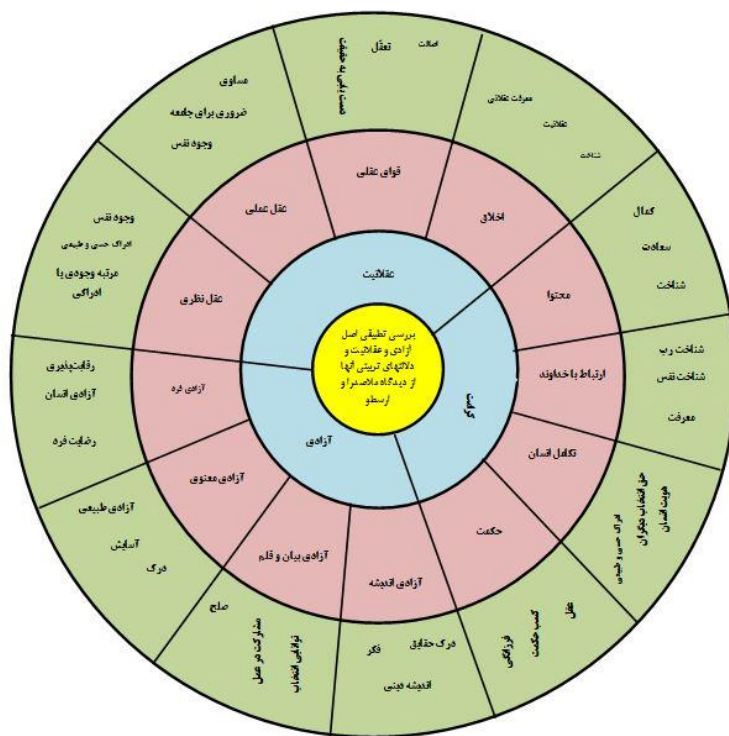
شکل ۱. الگوی مفهومی اولیه مولفه‌های بررسی تطبیقی اصل آزادی

دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا و مستندات با مقالات و پژوهشگران^۳ بعد، ۱۲ مولفه و ۳۶ شاخص در قالب یافته‌های بخش شناسایی شد که الگو را شکل دادند. الگوی مفهومی محقق ساخته مولفه‌های مبانی بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا شامل ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها به شرح شکل (۲) می‌باشد.

و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا چگونه می‌توان با بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا به یک الگوی نظری کلی جدیدی دست یافت؟ پس از بررسی و مطالعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی موضوع الگوی مفهومی مولفه‌های بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و



شکل ۲. الگوی مفهومی محقق ساخته مولفه‌های مبانی بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا



شکل ۳. الگوی مفهومی نهایی مولفه‌های بررسی تطبیقی اصل آزادی و عقلانیت و دلالت‌های تربیتی آن‌ها از دیدگاه ملاصدرا

نتیجه‌گیری

علی‌رغم اتفاق نظر ملاصدرا در مورد ضرورت وجود عقلانیت و باطنی بودن آن برای انسان، آنچه هم‌چنان محل پرسش باقی می‌ماند آن است که در نظر ایشان، آیا این نحوه از عقلانیت پاداش سیر و

پس از بیان دیدگاه دو متفکر، اکنون در مقام مقایسه دیدگاه ملاصدرا در خصوص ماهیت و ضرورت عقلانیت به چند نکته اشاره می‌کنیم:

سلوک تلقی می‌شود یا لازمه آن است؟ به نظر می‌رسد ملاصدرا عقلانیت را از لوازم سیر و سلوک می‌شمارد و معتقد است نفس در مسیر سلوک، لاجرم به این نحوه از حیات رهنمون می‌گردد تا از این رهگذر بتواند به حرکت استکمالی خویش برای تقرب و اتصاف به اسماء و صفات حق ادامه دهد. در طول تاریخ، در باب ماهیت انسان سخن فراوان گفته شده است و هر یک از اندیشمندان، بر اساس نوع نگاه خود تفسیر خاصی از انسان ارائه داده‌اند. داروین، ویژگی اصیل انسان را در محبت صادقانه او به موجودات زنده پنداشت. مارکس، به دلیل دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی خود، ماهیت انسان را محصول جامعه، اقتصاد و فرایند دیالکتیکی تاریخ قلمداد می‌کرد. نیچه نیز بر آن بود که بنیاد انسان را می‌توان بر اساس اراده تعلق یافته به قدرت بنا ساخت. و سخن ملاصدرا در این زمینه به گونه‌ای دیگر است. ملاصدرا در نظریه‌های فلسفی خود، با توجه به حرکت جوهری و تشکیکی بودن مراتب وجود، و همچنین با اتخاذ این مبنا که علم از مقوله وجود بوده و اخلاق هم مبتنی بر علم و حکمت است، سیری را ترسیم می‌کند که در آن، انسان با به کارگیری نیروی عقلانی، وجود خود را در یک سیر تکاملی تحقق می‌بخشد.

ملاصدرا معتقد است احکام طور و رای عقل، احکامی هستند که در حیطه درک عقل واقع نمی‌شوند و عقل نمی‌تواند به تنهایی و از خلال مقدمات عقلی به آن دست یابد؛ ولی این مسئله به این معنا نیست که اگر انسانی از طریقه‌های دیگری غیر از عقلانیت و منطق و روش‌های

educational imperatives in the process of human actualization. Central to Sadra's view is the prioritization of theoretical reason ('aql nazari) over practical reason ('aql 'amali), positing that the expansion of human existence is inseparably tied to the acquisition of wisdom through theoretical contemplation (Ashtiani, 2016). Ethical failings, in Sadrian thought, are not merely moral lapses but are rooted in an ontological poverty that stems from neglecting rational faculties, particularly the theoretical intellect (Ebrahimi Dinani, 2019). Unlike Aristotle, who emphasized practical rationality as the measure of human excellence,

مفهومی و استنتاجی به کشف و فهم طور و رای عقل رسید، عقل نسبت به این فهم‌ها عاجز شود. این دو تفسیر ناشی از دو دیدگاه مختلف به مباحث انسان‌شناسی است. از نگاه کی‌یرکگور قلمروهای ادراکی و حوزه‌های معرفتی در سپهر دین و اطوار و رای عقل، کاملاً بیگانه با عقل هستند و نمی‌توانند هیچ نسبت ایجابی با عقل برقرار کنند؛ برای مثال، عقل و قلب دو قلمرو جدا از هم و حتی ناقض هم هستند و انسان مجمع‌الجزایری ناپیوسته و هویتی ازهم‌گسسته دارد؛ اما از نگاه ملاصدرا قلمروهای ادراکی و حوزه‌های معرفتی، چه در حیطه عقل و چه در طور و رای عقل هماهنگی و انسجام دارند و انسان هویتی منسجم دارد. از دیدگاه ملاصدرا، عقل، سطوح مختلفی دارد و نباید عقل را در یک سطح، محدود کرد. با این وجود، از دیدگاه هر دو متفکر، سپهر دین و طور و رای عقل هویتی رازآلود و تمثیلی دارند که این تمثیل و تشبیه در اینجا زبان شعری و ساخت‌های ادبی نیست؛ بلکه بیانگر نحوه وجود طور و رای عقل است که در مباحث متافیزیک، طرز خاص از تفکر و یک روش خاص برای نیل به معرفت است؛ بنابراین نباید با مباحث طور و رای عقل ساده‌انگارانه برخورد کرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The comparative investigation into the principles of freedom and rationality and their educational implications from the perspective of Mulla Sadra represents a profound intersection of Islamic philosophy, human anthropology, and ethics. Mulla Sadra's philosophy stands at the zenith of Islamic intellectual tradition, integrating ontological principles with a transformative vision of human development. This study examines how Mulla Sadra articulates the principles of rationality and freedom not merely as metaphysical or epistemological categories, but as ethical and

Mulla Sadra locates the perfection of the human being in the intellectual union between the rational soul and the realm of intelligibles, facilitated by the active intellect (Deryakulu, 2019). This metaphysical framework forms the groundwork for understanding how education should cultivate both moral and metaphysical insight, orienting the learner toward a deeper unity with divine truths and self-realization.

In contrast to modern liberal notions of freedom that frame liberty as the absence of constraint or the maximization of choice, Mulla Sadra's conceptualization is deeply rooted in ontological necessity and metaphysical gradation. Freedom in his framework is not an abstract right but a mode of being—a capacity to ascend spiritually and intellectually through the existential hierarchy of being (Bayertz, 2020). He distinguishes between types of freedom—spiritual, intellectual, and individual freedom—emphasizing that true liberty is achievable only when the human soul liberates itself from attachment to material realities and aligns with its rational and divine faculties (Somekh et al., 2018). This alignment is not immediate but occurs through a dynamic and continuous process of ontological perfection, a journey that Mulla Sadra describes through the doctrine of substantial motion (*al-ḥaraka al-jawhariyya*), in which the essence of the self is in perpetual motion toward higher states of being (Ebrahimi Dinani, 2014). In this metaphysical vision, human freedom is both a precondition for and a result of intellectual illumination. Thus, education in this framework becomes a vehicle not for societal adaptation but for existential elevation, empowering the individual to realize their ontological potential through the disciplined use of reason.

The research methodology of this study involved the selection and review of 130 scholarly texts, including books, articles, and research papers that explore the principles of freedom and rationality from Mulla Sadra's viewpoint. These texts were selected purposively to ensure their relevance and currency. The research employed a document-

based qualitative approach using coding and thematic analysis to extract educational indicators from philosophical categories. Through the codification process, the study identified three primary dimensions—rationality, freedom, and dignity—each encompassing four components and twelve indicators, totaling thirty-six indicators. The rationality dimension includes ethical reasoning, cognitive faculties, practical reasoning, and theoretical reasoning (Hashemi, 2017). The freedom dimension incorporates individual liberty, spiritual autonomy, freedom of expression, and freedom of thought (Bazargan, 2020). The dignity dimension—central to Sadrian humanism—comprises wisdom, human perfection, divine connection, and truth recognition. These dimensions reflect a comprehensive model of educational development grounded in Sadra's ontology and anthropological realism. By identifying these components, the study offers a novel paradigm for educational practice that integrates metaphysical development with ethical cultivation.

From an educational standpoint, the implications of this Sadrian framework are transformative. The principle of rationality demands the cultivation of both logical reasoning and metaphysical intuition, recognizing the intellect not merely as a tool for instrumental reasoning but as a faculty capable of unveiling the deeper realities of existence (Cowen, 2020). Mulla Sadra's epistemology, which posits knowledge as a mode of being rather than a representational act, requires educators to facilitate experiential learning processes that engage the student in ontological transformation. Moreover, the principle of freedom, understood in its Sadrian sense, necessitates an educational context where students are guided toward intellectual emancipation from lower desires and conditioned thought patterns (Appleton, 2022). The integration of dignity into the educational process underscores the holistic aim of education: to guide the student toward human perfection, defined by proximity to the divine. This integrative model, grounded in Sadra's metaphysical anthropology, challenges

modern secular paradigms that divorce cognitive development from spiritual and ethical growth (Badashti, 2020).

The findings of the research extend to a critical reassessment of contemporary educational models. While many modern systems prioritize empirical knowledge, skill acquisition, and measurable outcomes, the Sadrian model calls for a deeper inquiry into the nature of the human subject and the ultimate telos of education. It questions the separation of ethics from epistemology and insists on the reintegration of knowledge, virtue, and existence into a unified educational pursuit (Oujabi, 2018). The conceptual model derived from this study offers a structural framework that links cognitive development to moral and spiritual actualization, redefining the roles of educators and students alike. Educators are seen as facilitators of ontological growth, and students are viewed as souls in motion, each capable of reaching higher stages of being through disciplined engagement with knowledge and virtue (Helvac, 2022). This model, while rooted in Islamic metaphysics, has universal relevance, providing a transcendent alternative to the reductionist educational paradigms of the modern world.

In conclusion, this research highlights the unique philosophical contribution of Mulla Sadra in articulating a holistic vision of human development through the principles of rationality and freedom. His metaphysical anthropology and theory of knowledge present a profound foundation for reimagining educational practices that align intellectual cultivation with moral elevation and existential fulfillment. The three-fold model of rationality, freedom, and dignity—each enriched by detailed components—offers a blueprint for an education that is not only informative but also transformative. By returning to Sadra's philosophical roots, the study bridges the gap between classical Islamic philosophy and contemporary educational discourse, contributing to the ongoing project of developing an education system that addresses the full spectrum of human potential.

References

- Akbari, R. (2022). The Strong Connection Between Ontology and Aesthetics in Mulla Sadra's Philosophy. Proceedings of the Eighth Mulla Sadra Conference,
- Akbarian, R. (2020). The Position of Humanity in Mulla Sadra's Transcendent Philosophy. Proceedings of the Eighth Mulla Sadra Conference (Transcendent Philosophy and Humanity), Tehran.
- Appleton, F. (2022). *History of Greek and Roman Philosophy*. Soroush Publications.
- Araki, M. (2021). *Freedom and Causality in Mulla Sadra's Philosophy*. Iranian Institute of Philosophy and Wisdom.
- Ashtiani, S. J. (2016). *Biography and Philosophical Views of Mulla Sadra*. Bustan-e Ketab.
- Badashti, A. A. (2020). *The Will of God (Glory Be to Him) from the Perspective of Philosophers, Theologians, and Hadith Scholars*. Philosophy and Islamic Sciences Research Institute.
- Bailyn, B. (2019). The position of Mullasadra in intellectual sciences. *Australasian Journal of Educational Technology*, 28(4), 547-564.
- Bayertz. (2019). *The Idea of Human Dignity: Issues and Contradictions*. Kavir.
- Bayertz. (2020). *The Meaning of Universal History in the Ultimate Cosmopolitan Goal (Growth of Reason and Freedom)*. Naghshe-o-Negar.
- Bazargan, Z. (2020). Innovation in the Principle of Freedom and Rationality from Mulla Sadra's Perspective. Conference on Modern Philosophy of Education, Shahid Rajaei University,
- Brookhart, S., Moss, C., & Long, B. (2020). History of philosophy from Aristotle to Scotus. *Assessment in Education*, 19(1), 41.
- Cowen, R. (2020). The position of Mullasadra in intellectual sciences. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 36(3), 333EP - 342. <https://doi.org/10.1080/713656619>
- Dana, P., & Paula, S. (2018). The principle of freedom from Aristotle's point of view. *Children and Youth Services Review*, 43(1), 145-152.
- Deryakulu, D. (2019). The anthropological foundations of Mulla Sadra's theories. *International Journal of Human and Social Science*, 5, 567-573ER -.
- Ebrahimi Dinani, G. (2014). The Position of Mulla Sadra in Intellectual Sciences. Proceedings of the Second International Mulla Sadra Conference (Mulla Sadra's School and Western Philosophies), Tehran.
- Ebrahimi Dinani, G. (2019). Theoretical and Practical Wisdom. Proceedings of the

Seventh Mulla Sadra Conference
(Transcendent Philosophy and Humanity),
TehranPB - Sadra Islamic Philosophy
Foundation.

Furner, D., & Robison, J. (2021). The principle
of freedom from Aristotle's point of view.
*Australasian Journal of Educational
Technology*, 28(4), 547-564.

Hashemi, S. A. (2017). *Philosophical
Foundations of Education in Iran*.

Helvac, İ. (2022). The position of Mullasadra in
intellectual sciences. *Australasian Journal
of Educational Technology*, 93-630.

Oujabi, A. (2018). *Philosophical Views of Mulla
Sadra*. Sahat.

Somekh, B., Lee Hoon, C., & Ahmad, N. A.
(2018). The principle of freedom from
Aristotle's point of view. *Australasian
Journal of Educational Technology*, 1(1),
59-76.